



«سر آغاز -مجتبی گهستونی

اخیرا عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی و رئیس موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران به خوزستان سفر کرده بود و از مناطق مختلف باستانی بازدید کرد.

در کارنامه دکتر مصطفی ده پهلوان، چاپ و انتشار ده‌ها مقاله در حوزه باستان‌شناسی و تاریخ و ترجمه کتاب محاسبات رایانه‌ای در باستان‌شناسی، تألیف کتاب «باغ نگارستان (از دانشگاه تهران تا باغ نگارستان)»، کتاب سکه‌شناسی سلوکی (مجموعه سکه‌های موزه بوعلی همدان) درج شده است. برگزاری و اجرای ده‌ها پروژه پژوهشی میدانی و آزمایشگاهی در حوزه باستان‌شناسی، تاریخ و موزه‌داری از جمله فعالیت‌های دکتر مصطفی ده پهلوان است.

ایشان سابقه ۱۳ سال تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد و مؤسسات آموزشی را دارد. راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری، سخنرانی در بیش از ۵۰ همایش و وبینارهای ملی و بین‌المللی، شرکت در بیش از ۵۰ دوره و کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی ملی و بین‌المللی در حوزه باستان‌شناسی و مدیریت منابع فرهنگی و همچنین داوری بیش از ۲۰۰ مقاله، پروژه و طرح‌های پژوهشی در حوزه میراث‌فرهنگی و گردشگری را بر عهده داشته است.

دکتر مصطفی ده پهلوان عضو کمیته ملی چندین همایش مرتبط با میراث‌فرهنگی، مدیر موزه‌های مقدم و باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران بوده است.

وی همچنین طراح سوالات آزمون کارشناسی ارشد و دکتری سازمان سنجش آموزش کشور، عضو شورای هماهنگی موزه‌های کشور با حکم معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، سرپرست هیات کاوش آموزشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، عضو شورای عالی موزه‌های دانشگاه تهران بود. گفت‌وگو با دکتر مصطفی ده پهلوان به



خطر ویرانی در بلندی‌های «حصیرآباد» اهواز

اینجا حصیرآباد است؛ محله‌ای فقیرنشین با خانه‌های کج و کوله روی تپه‌ه و راه باریکه‌های سنگی و گلی و مردمی که به دل کوه پناه آورده‌اند. حصیرآباد، محله قدیمی اهواز روی دامنه تپه است که بازار شلوغ و معروفی دارد؛ زمانی که بیشتر خانه‌های شهر اهواز از خشت، گل و آجر ساخته می‌شدند، خانه‌های این محله با استفاده از حصیر ساخته می‌شدند و به این دلیل، این محله به حصیرآباد معروف شد اما با رشد ساخت و سازها، اکنون هیچ خانه حصیری در این محله پیدا نمی‌شود.

حصیرآباد یکی از مناطق حاشیه‌نشین در پهنه خطر اهواز است؛ هر چند این محله در حاشیه شهر قرار ندارد اما گسترش مهاجرت به شهرهای بزرگ و ساخت خانه‌هایی روی تپه و مضافاتی که کم در این منطقه ایجاد شده، به یکی از مناطق حاشیه‌ای اهواز تبدیل شده است.

ساکنان این منطقه که بیشتر مهاجر هستند، کوه را کده‌اند و خانه ساخته‌اند؛ خانه‌های ۴۰، ۵۰ متری بی‌نظمی که در کوچه‌های تنگ و باریک روی کوه قد کشیده‌اند؛ برای سرپناه شدن. معلوم نیست که این خانه‌های قدیمی چگونه و با چه مصالحی ساخته شده‌اند اما هر چه هست، حالا عمرشان به پایان رسیده است. هر چند تعدادی از این خانه‌ها خالی از سکنه شده و آنچه باقی مانده نشان از تخریب این خانه‌ها است اما هنوز هستند خانه‌هایی که با وجود خطر ریزش، سقف بالای سر مردمی هستند که به این شهر مهاجرت کرده‌اند. کوچ‌های تنگ و باریک در هم پیچیده، پله‌های

دکتر مصطفی ده‌پهلوان ر ئیس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران؛

هر چه در باره خوزستان بگوییم کم گفتیم

مناسبت روز جهانی موزه‌ها تقدیم‌تان می‌شود.

در سفر به خوزستان از کدام محوطه‌ها بازدید کردید؟

سفر ما از پل کلهر لرستان و پل کشکان آغاز شد و به خوزستان ختم شد. ابتدا در مجموعه‌ی هفت‌تپه مستقر شدیم و بازدیدمان رو از شهر شوش آغاز کردیم. در بازدید از قلعه شوش نظاره‌گر برخی از جزئیات شدیم. سفری به بخش‌های غربی رود شساور داشتیم، مجموعه ایوان کرخه و تاسیسات آب‌رسانیش را دیدیم.

اجازه بدید که اینجا کمی بحث کنیم. به نظر من که محوطه ایوان کرخه بی‌نهایت آسیب دیده است. شما چی دیدید؟ تلاش‌های ارزنده‌ای روی محوطه انجام شده بود. آگاهی از این فعالیت‌ها نوعی آموزش بود. اما بسیار افسوس خوردم که محوطه‌ای به این عظمت شرایط حفاظتی خوبی ندارد. هر چه در باب ارزش این محوطه‌ها بگوییم کم گفتیم. نمونه چنین شهرهای بزرگی جایگاه بسیار بالایی در تاریخ دارند. شهرهایی نظیر ایوان کرخه قسه‌های تاریخی بسیار شنیدنی در دل خود دارد. قسه‌ها و روایت‌های این کهن شهرها باید برای گردشگران گفته شود. با انجام یک روایت خوب از ایوان کرخه سواد میراثی مردم هم بالا می‌رود. عشایری که در مجموعه ایوان کرخه و اطرافش حضور دارند با نگرانی‌ها و خطراتی همراه است. اینها بایستی سر وسامان داده شوند.

شوش را چطور دیدید؟

وضعیت شهر و محوطه‌های باستانی شوش در شان نام بلند آوازه شوش نبود. ولی خوب می‌دانم که دوستان و مدیران حوزه میراث‌فرهنگی تمام تلاششان را برای بهبود وضع موجود می‌کنند. خوب می‌دانیم که اعتبارات مالی ادارات و پایگاه‌های میراث‌فرهنگی کافی نیست. به ضرس قاطع می‌گویم که شوش از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی ایران است. باید بودجه‌های خیلی کلان‌تر از تخت جمشید و پاسارگاد را به شوش اختصاص بدهند. اگر یافته‌های شوش به خوبی مدیریت بشود و به نمایش گذاشته شوند و فعالیت‌های فرهنگی حول شوش برای مردم انجام بگیرد، وضعیت حفاظتی و فرهنگی دچار تحول می‌شود. شوش باید کانون جشنواره‌ها، سمپوزیوم‌های فرهنگی، نمایشگاه‌ها باشد. توجه به این موضوع می‌تواند خوزستان را دگرگون کند و با حضور گردشگران ایرانی و خارجی هم سرانه فرهنگی را ارتقا داد و هم اشتغال‌زایی انجام داد. واقعا مایه تعجب است که شوش جدی گرفته نشده است. حدود ۱۵۰ سال انواع و اقسام باستان‌شناس در شوش کاوش‌های باستان‌شناسی انجام داده‌اند. باید توسط فعالان میراث‌فرهنگی و اهالی گردشگری قسه‌ها و روایت‌های شوش استخراج شود. از تورلیدرها انتظار بیشتری می‌رود. باید حرفه‌ای‌تر عمل

کنند. نگاهشان باید عمیق‌تر شود. شوش به تورلیدرها کاملا تخصصی نیاز دارد. باید برای معرفی هرچه بهتر تاریخ و میراث‌فرهنگی از انواع اپلیکیشن‌های گردشگری استفاده شود. باید به شکل شایسته‌ای برای محوطه‌های باستانی، موزه‌ها، بناها، اشیاء محتوای مفید تولید شود. باید از فضای مجازی به نفع حفاظت از میراث‌فرهنگی استفاده کرد. من در بازدید کوتاهی که از شوش داشتیم کاملا متوجه شدم که شوش مشکلات خیلی زیادی دارد. بخش‌هایی از محوطه عظیم شوش بدون دیوار و فنس است و گاه مشاهده شده که توسط برخی کند و کاوهایی صورت گرفته است. باید با فرهنگ‌سازی و آموزش فراگیر، مردم را دوستدار میراث‌فرهنگی کرد. فکر اینکه میراث‌فرهنگی که منتف پیشرفت شوش است باید از ذهن مردم دور شود. منفعت گردشگری کشور باید به بطن جامعه برسد تا بتوانیم میراثمان را حفظ بکنیم.

به اعماق هر جای این سرزمین ورود کنی غرق قسه‌هایش می‌شویم. دیگر به کجا رفتید؟

بعد از بازدید از شوش، به موزه هفت‌تپه و چغازنبیل رفتیم. و بعد از چغازنبیل به شوشتر رفتیم و از مجموعه سازه‌های آبی شوشتر بازدید کردیم. مجموعه مهندسی آب در شوشتر نیاز به بازدید جامع‌تری داشت. امیدوارم بتوانم در سفرهای بعدی مجموعه‌های باستانی دیگر شوشتر را مشاهده کنم. ولی در مورد این شهر بسیار خندانم. همچنین از مجموعه آرامگاه دست‌نوا دیدن کردیم. به شهر اولین‌ها، مسجدسلیمان رفتیم. از «صفه سر مسجد» شهر مسجدسلیمان دیدن کردیم. به «برد نشاند» هم رفتیم و از آنجا سفرمان را به سمت ایده ادامه دادیم.

پس در خوزستان نقش ناصر خسرو را ایفا کردید؟

شهرهای خوزستان سرآمد شهرهای تاریخی هستند. این استان طبیعت بسیار زیبایی هم دارد. از دیدن کل منطقه لذت بردیم. با اینکه دربار خوزستان بسیار خوانده بودم و در دوران دانشجویی به کرات از خوزستان بازدید داشتم ولی این سفر خیلی آموزنده بود. با دید عمیق‌تری به این منطقه سفر کردم. در ایده از «کول فرح»، «شکفت سلمان»، محوطه «شمی»، «قبرستان و نقش برجسته شهسوار» و برجسته‌های «خُنگ نوروزی»، «یارعلی‌وند» و «کمال‌وند» بازدید کردیم. در شهرستان «ندیکا» هم از نقش برجسته «تنگ بتان» شبیمار دیدن کردیم.

چطور تنگ بتان را پیدا کردید. من سه بار رقتم و هر بار هم سخت بوده. شما با کی رفتید؟

برای من رفتن به آنجا خیلی جالب بود. به سختی نقش برجسته تنگ بتان را پیدا کردیم. راهنمای محلی ۵۰۰ هزار تومان هم از من گرفت تا آن نقش را نشان بدهد. منطقه بسیار عجیبیه. شوربخانه امکانات حفاظتی خوبی ندارد. خیلی نگران آنجا هستیم. نقش برجسته تنگ بتان از دوران الیمایی بسیار مهم است. اگر راهنمای محلی نبود ما هم نمی‌توانستیم پیدااش بکنیم. خیلی خوب مستندنگارش کرده و عکس‌های خوبی هم تهیه کردیم.

دیگه از کدام نقش برجسته‌های الیمایی بازدید کردید؟

به جز قبلی‌ها که در ایده نام بردم با گذر از رامهرمز با هدف بازدید از نقش برجسته‌های «تنگ سروک» به بهبهان رفتیم.



پس از این بازدید بود که به دلیل یک سری کارهای اداری که داشتیم باید سریع به تهران بر می‌گشتیم. لذا فرصت نشد از آثار بهبهان و اهواز و برخی شهرهای دیگر بازدید کنم. چند محل کلیدی هم در نزدیکی اهواز بود که خیلی دوست داشتم آنها را هم ببینم. در خوزستان یک صدم آثارش را هم نتوانستیم ببینیم. دیدن خوزستان خیلی فرصت می‌خواد. هر چه در باب خوزستان بگوییم کم گفتیم.

رها شدگی دو نیایشگاه صفه سرمسجد و بردنشاند مسجدسلیمان واقعا آزار دهنده است. شما آنجا را چگونه دیدید؟

وقتی به صفه سرمسجد رفتیم نگهبان از ما پرس‌وجو کرد که شما کی هستید که توضیحات لازم را به ایشان دادیم. این نشان می‌دهد که تاحدودی حفاظت صورت می‌گیرد. اما در نیایشگاه بردنشانده اصلا اثری از حفاظت ندیدم. خب وقتی از چرای این وضعیت می‌پرسیم فاصله محوطه را با شهر بیان می‌کنند. اما جالبه که بدانید صفه سرمسجد و بردنشاند مسجدسلیمان دارای شانی در حد ثبت جهانی هستند. ضرورت حفاظت هرچه بیشتر از این محوطه‌ها و بناها بسیار است. همچنان معتمد کم برای مشارکت دادن مردم در امر حفاظت باید شاهد انواع رخدادهای فرهنگی در کنار این محوطه‌ها باشیم. اگر این محوطه‌ها پاخوری پیدا نکنند و حفاظت نشوند هرچقدر هم مرمت کنیم باز زیر بار و باران و آفتاب نابود می‌شوند. ما در مسجدسلیمان موفق نشدیم که هتل خوبی برای اقامت پیدا کنیم. به هتلی رفتیم که در حد مسافرخانه هم نبود. شهری که دورنمای گردشگری داشته باشه و بخواد بازدید کننده داشته باشد حتما باید به ایجاد بسترها و ظرفیت‌ها همت بگمارد. گردشگر باید با فراق بال به این محوطه‌ها بیاد و در شهر اقامت کند. این شهر نیازمند وجود تابلوهای معرفی بناها و دسترسی هرچه بهتر باید باشد. در مسیر نیاشگاه بردنشاند به کشاورزی که در آن محیط بود حرف زدیم. ایشان معتقد بود که وجود چنین مکانی تاکنون هیچ سودی برای آنها نداشته است. جدا از بحث‌های هویتی و رگ و ریشه‌ای که همه مردم باید به آن توجه داشته باشند، محوطه‌های ما از لحاظ گردشگری باید سود و منفعتی هم برای مردم محلی داشته باشند. اگر جامعه محلی بهره‌مند شود همان مردم پاسداران آثار تاریخی می‌شوند. به هر حال آنچه که در بردنشاند دیدیم در شان یک محوطه باستانی نبود.

همچنان باورم نمی‌شود که محوطه‌های باستانی تا این حد مظلوم باشند. چرا؟

وقتی با مدیران و کارشناسان پایگاه‌های مختلف در خوزستان صحبت می‌کردیم به شدت از این کمبود اعتبار مالی رنج می‌برند. به برخی از دست‌اندرکاران در پایگاه‌ها پیشنهاد دادم از تمام ظرفیت خود برای ارتباط گرفتن با مدیران استانی و شهری استفاده کنند. معمولا سهم میراث‌فرهنگی از اعتبارات استانی زیاد نیست. اما می‌توان از برخی پروژه‌های گردشگری و رخدادهای فرهنگی اعتباراتی جذب کرد.

مظلومیت برخی از سازه‌ها به قدری است که اگر فریادرسی نباشد برخی به دنبال تخریب آثار با دینامیت هستند. راستی

۷

یکشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

سال دوازدهم

شماره ۱۶۶۶

میراث فرهنگی

آثار سوراخ کردن پیرامون برخی نقش برجسته‌ها را دیدی؟ یکی از اهدافی که به خوزستان آمدم این بود که تعدادی از نقش برجسته‌های الیمایی را ببینم. منم شنیده بودم که برخی درصدد بودن که با دینامیت آثاری را منفجر کنند. برای صحت و سقم قضیه شخصا آمدم که ببینم. اما شواهدی از دریل کاری کنار نقش برجسته‌ها دیدم که برام عجیب بود. در یک دوره‌ای باور مزخرفی بین همین گنج باب‌ها شکل گرفته بود که داخل این سنگ‌های بزرگ، دقینه‌هایی نهفته است. به همین خاطر میزدن و بخشی از اینها را نابود می‌کردند. البته ممکن است توطئه‌ای برای تخریب برخی از این نقش برجسته‌ها باشد.

خبر مثلا شهری همچون ایده که دور تا دورش آثار با ارزش است باید عمده تمرکز مدیرانش بهبود دادن وضع موجود برای استفاده از مزایای میراث‌فرهنگی و گردشگری باشد. ایده را چطور دیدی؟

خوزستان به تنهایی یک موزه فراگیر با چشم‌انداز فراگیر است. در این میان ایده، موزه‌ی رو باز نقش برجسته‌ها و سنگ نگاره‌ها بسیار خاص است. تداوم فرهنگی که از دوران پارینه سنگی تا به امروز در ایده وجود دارد، این شهرستان را مورد توجه قرار داده است. ایده به دلیل همه ارزش‌های بالایی که دارد باید در اولویت ثبت جهانی قرار بگیرد. مسائل حفاظتی این آثار باید بیشتر ملاک قرار بگیرد. مثلا در گردشگران است باید حال بهتری داشته باشند. نگهبانان محوطه ها باید در شرایط خوبی باشند. این شهر باید هتل و اقامتگاه‌های خوبی داشته باشد. با وجود انجام بازدیدهای متعدد در خوزستان اما از محوطه‌های باستانی اهواز دیدن نکردید. اهواز مهم نبود یا نمی‌شناختید؟

من در مورد خوزستان دوره‌های پیش از اسلام، هخامنشی تا ساسانی که دوره تخصصی خود من است آشنایی دارم. در اهواز با محوطه‌های پیش از تاریخ و دوره اسلامی هم آشنا هستم. خیلی از سخنرانی‌های که مرتبط با اهواز است را گوش می‌دهم.

پیشنهاد شما برای حفاظت بهتر از محوطه‌ها چیست؟

هرچقدر وزارتخانه میراث‌فرهنگی اعتبار لازم در نظر بگیرد اما وزارت میراث‌فرهنگی کاری ساخته نیست. در کنار آموزش و فرهنگسازی، باید از ظرفیت رسانه‌ها و آموزش و پرورش هم بهره گرفت. اینکه اهمیت میراث‌فرهنگی و کاربردش برای حل معضلات جامعه امروز چه می‌تواند باشد موضوعی است که باید به دفعات درباره آن سخن گفت. مردم باید بدانند که میراث‌فرهنگی فقط هویت نیست. بلکه میراث‌فرهنگی می‌تواند خیلی از معضلات اجتماعی و اقتصادی را حل کند. در باستان‌شناسی گرایشی به نام (Applied Archeology) یا باستان‌شناسی کاربردی داریم که دقیقا به این موضوعات که کاربرد باستان‌شناسی و میراث فرهنگی در حل معضلات امروز چی می‌تواند باشد می‌پردازد. در سال ۲۰۱۴ سفری به انگلیس داشتم و در دوره آموزشی مدیریت میراث و موزه‌داری شرکت کردم. آنجا به عینه دیدیم که در برخی از موزه‌ها تعداد کارشناس‌ها چقدر کم هستند. مثلا در موزه «لینکن» که اندازه موزه ملی ما فقط با ۹ نفر کارمند اداره می‌شد. در عوض ۲۵۰ داوطلب فعال در هدايت موزه و انجام برنامه‌های موزه کمک می‌کردند. اما جامعه و فضای میراثی ما به ندرت چنین فضایی را در خودش دیده است. اما در عمده موزه‌ها و ادارت میراث‌فرهنگی شهرها می‌بینید که چقدر کارشناس و کارمند داریم که واقعا بسیاری از آنها سیاهی لشکر هستند. در حوزه میراث‌فرهنگی محلی‌های علمی را داریم که حدود ۱۰۰ عضو هیئت علمی دارند ولی آیا خروجی‌شان در حد ۱۰ عضو هیئت علمی است.

اینها همه گرفتاری‌هایی هستند که در حوزه‌ی مدیریتی‌مان داریم. در برخی جاها با عده‌ای از دست‌اندرکاران که صحبت میکنیم یادآور می‌شوند که ما کلی دوره‌ی آموزشی داریم. دوره‌ای آنلاین برگزار می‌شود و همه چراغ را روشن می‌گذارند و می‌روند و همه مجدد جواب‌ها را از یک نفر که پای ثابت کلاس بوده می‌گیرند و بعدش همه اینها با ارتقا شغلی هم مواجه می‌شوند.



گسترش حاشیه‌نشینی هشتاد داده است.

بنا به گفته وی، روز به روز به جمعیت حاشیه‌نشین این شهر افزوده می‌شود و اگر مسئولان و دستگاه‌های مرتبط در این زمینه همتی نکنند، حاشیه‌نشینی در اهواز روز به روز افزایش می‌یابد. رئیس کمیسیون عمران، شهرسازی و معماری شورای شهر اهواز گفت: در بافت‌های فرسوده، سرانه‌های مختلف از جمله سرانه‌های ورزشی و آموزشی لحاظ نمی‌شود در نتیجه زمانی که امکانات ساده‌ای توسط شهرداری اهواز به ساکنان این مناطق ارائه می‌شود، سرانه‌های دیگری نیز دیگر مطالبه می‌شود در حالی که خرید و فروش زمین‌ها در این مناطق غیر قانونی است و نظارتی در این زمینه وجود ندارد.

همچنین هدایت‌الله زاغ‌زاده معاون شهرسازی و معماری شهرداری اهواز از قرار گرفتن ۶۴ محله از مجموع ۱۵۴ محله اهواز، با جمعیتی بالغ بر ۴۶۰ هزار نفر در بافت فرسوده، تاریخی، ناکارآمد و با مخاطرات طبیعی و انسان‌ساخت خبر داد.بنا به گفته وی، در سال ۸۶ مطالعاتی توسط دانشگاه

کمی پایین‌تر در همین خیابان و پایین تپه، خانه نو عروس و دامادی است که دو اتاق از آن آنقدر نم گرفته و خرابه شده‌اند که خالی مانده‌اند.توال‌شان هم در ندارد. با پولی که همسایه‌ها جمع کرده‌اند، عروسی‌شان را گرفته‌اند و وسایل‌شان را در اتاقی جا داده‌اند.

زن باردار و شوهرش سرباز و تنها است. آن‌ها در این خانه نیمه مخروبه مستاجرند. زن آرام در لبه اتاق می‌نشیند. کولر خانهاش خراب است و فعلا برای فرار از گرما به خانه مادرش رفته است.

جوی روباز فاضلابی که در طول کوچه تنگ محله به چشم می‌خورد، پر از زباله است و بوی تعفن همه جا را گرفته است.

ته خیابان، به سمت خانه دیگری می‌رویم؛ خانه‌ای در زیر تپه که بعد از جابه‌جایی و تخریب بعضی از خانه‌های در معرض خطر، نم گرفته و دیوارهایش ترک خورده‌اند. لوله‌هایی که قبلا برای رساندن آب به خانه‌های بالای تپه کشیده شده بودند، حالا دارند خانه‌های پایین‌تر که در خیابان اصلی ساخته شده‌اند را خراب می‌کنند.

به گفته اهالی، مسئولان خانه‌هایی در شهر رامین و شیرین شهر که در مجاورت شهر اهواز قرار دارند، برای جابه‌جایی آن‌ها پیشنهاد کرده‌اند اما ساکنان این منطقه می‌گویند مسیر برایشان دور است.

یکی از اهالی می‌گوید از هزار پا و مقرب گرفته تا مار همه چیز در خانه‌هایشان پیدا می‌شود. یکی از اتاق‌های خانهاش که هزارگاهی آب از مخروبه‌های بالا در آن می‌ریزد، را انباری کرده اما زمستان که می‌شود این کارها افاقه نمی‌کند و آب به جاهای دیگر هم می‌رسد.

او می‌گوید که زنش مرضی صعب‌العلاج دارد و اگر به شهر رامین یا شیرین شهر برود، باید هفته‌ای حمام بروند.

^[1] شهید چمران اهواز در حوزه حاشیه‌نشینی و

^[2] الزامات آن انجام شد، سال ۹۸ نیز مطالعاتی به